

قلم

۳۰

ماهنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

دانشگاه فرهنگیان | سال هشتم | شماره سیام | تیر ۱۳۹۹

صفحه ۵

این گوی و این میدان!

▼
قالیباف با ۲۳۰ رأی رئیس
مجلس یازدهم شد

▼
منادی سفیدان، رئیس
کمیسیون آموزش، تحقیقات
و فناوری مجلس شد.

▼
قاضی زاده هاشمی: مجلس
یازدهم یک مجلس انقلابی
و جوان است

▼
زاهدی: مسیر شفافیت و
تحقق عدالت آموزشی در
مجلس یازدهم قوی تر ادامه
خواهد داشت

▼
ساداتی نژاد، نماینده
کاشان: مشکلات معلمان
خرید خدمت در مجلس
یازدهم بررسی می شود



عکس: علی حدادی اصل

چشم جهان روشن

۴ ما به تو خیر فراوان عطا کردیم!

به پایان آمد این دفتر...

۱۲ ورودی های ۹۵ همه این خصوصیات را یک جا داشتند

تخصص یا تعهد

۱۴ بهنام امیریان مهمان این شماره قلم

نقدینه

۱۸ خانه پدری در نقد تاجر یا سنت

ویرانی

۲۲ سکان دار اقتدار رخ می نمایاند!!



ما را در فضای مجازی دنبال کنید



فهرست

چشم جهان روشن	۴
این گوی و این میدان	۵
کارورزنامه	۶
صنفامه	۷
کتابخانه من	۸
طنزیم	۹
مانگار	۱۰
معلم دلت کام	۱۱
به پایان آمد این دفتر...	۱۲
فساد تمدن ساز	۱۳
مصاحبه: تخصص یا تعهد؟	۱۴
اینفومعلم	۱۶
شهرگرد؛ عطر بهشتی	۱۷
نقدیه؛ خانه پدری	۱۸
مقاله‌دان	۲۰
دلتنگی	۲۱
موسم اتمام نرم	۲۱
از جهان چه خبر؟ ویرالی	۲۲
شهیدنامه؛ از تئوری به عمل	۲۳
توثیق‌سم	۲۴
کافه فناوری	۲۵
شعریات؛ نباشیم راضی از درس مجازی!	۲۶
سرگرمی؛ چیت باکس	۲۷

سخن سردبیر

نسیم بهاری به پایان خویش رسیده و تابستان اندک اندک گرمای خویش را بر دل هایمان می نشاند. ایزد را شاکرم که اینک این افتخار نسیم بنده گشت تا در حضور خانواده ی گرم قلم چند واژه ای را روانه ی لوح سازم.

قلم را بهانه ای می دانم تا بپرسم که حالتان چگونه است...؟!

بهانه می‌کنم که بگویم با این همه دغدغه ها امیدوارم حالتان خوب باشد. گر چه این دغدغه ها را می شناسم و می دانم زندگی همین دغدغه هاست! خواستم جرحه ای از فرهنگ بگویم؛ کمی از انسانیت، که هنوز زندگی زیبایی های خود را دارد. خواستم بگویم گرچه من فرهنگ را در قعر خودش، در رنسانس خویش می بینم، اما تا شقایق هست زندگی باید کرد!

سخن کوتاه کرده و می گویم:

بیایید نفس بکشیم و بگذاریم دل‌هایمان تنگ یکدیگر شود. باور کنیم ساده ایم و به این سادگی ببالیم و بانگ برآوریم: ما برای وصل کردن آمدیم
نی برای فصل کردن آمدیم

سردبیر ماهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی قلم
هادی دهقان



شناسنامه

- ♦ صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی
- ♦ مدیر مسئول: عزیز جلیلی هریس
- ♦ سردبیر: هادی دهقان

- ♦ دبیران واحد فرهنگی-اجتماعی: فاطمه موید، رعنا خدادادی
- ♦ دبیر واحد سیاسی: علی محمد توکلی
- ♦ دبیر واحد تعلیم و تربیت: مهدی چیت ساز
- ♦ دبیر واحد صنفی-دانشجویی: زهرا یاری

♦ هیأت تحریریه: میلاد آقایی، محمد احمدزاده، علی محمد توکلی، زهرا جاملو، عزیز جلیلی، مهدی چیت ساز، سید مجتبی حسینی، علی حصاری، رعنا خدادادی، نگار رشیدی، سولماز سیفی، فاطمه شمع سوزان، فاطمه عنایتی، عرفان فعله گری، دنیز مبارکی، فرهاد محمدی، محدثه محمدی، فاطمه موید، افشین نصیبی، فاطمه نظرپور، لیلا هوشیار، زهرا یاری

- ♦ مدیر اجرایی: سید مجتبی حسینی
- ♦ طراح جلد و صفحه آرا: مجتبی شالچی زاده
- ♦ طراح همکار این شماره: عرفان فعله گری
- ♦ عکاس: پردیس آذررخش
- ♦ روابط عمومی و فضای مجازی: زهرا خلفی، محدثه محمدی
- ♦ ویراستار: نگار رشیدی

چشم جهان روشن!

بسم الله الرحمن الرحيم
«انا اعطیناک الکوثر»

همانا ما به تو خیر فراوان عطا کردیم!

و فاطمه آمد که «دختر بودن» را جور دیگری معنا کند، آمد تا واژگانی چون «ضعیفه» رخت ببندند از ذهن و قلب آدم ها. آمد تا پدرها یاد بگیرند دخترانشان را به دل بفشارند و محبتشان را به دیده پیروانند و آنها را «سنا» بخوانند، نه مایه‌ی ننگ و سرافکندگی! آمد تا از نسل خودش دخترانی به جا بگذارد از جنس بلور؛ عفیف و زیبا.

و امروز! روز دختر؛

روز ولادت حضرت معصومه(ع)!

به راستی تو دختر جان، تا به حال به عظمت خودت هیچ فکر کرده ای؟ به لطافت روح، قدرت قلب، به قشنگی صبرت، به عزت دامن پاکت و به قدرت دستانت هنگامی که نهال مهر و محبت را در دل دنیا می کارد؟ اگر چه گاهی تمام این قشنگی ها رنگ می بازد زیر سایه خبری با عنوان «قتل عاطفه ها با داس» و همین خبر، تو و اراده ات را به ضعف می کشاند و امیدت را به یاس می گرایاند. اما بگذار بگویم برای چنین دردی تمام ما مسئولیم. باید خیلی زودتر از اینها یک روز تمام مادران، دخترهایشان را می کشاندند یک گوشه و در گوششان زمزمه می کردند: «جان مادر! یادت باشد که تو از نژاد

نوری، سهم تو از

دنیا بالیدن است و خندیدن نه نالیدن و اندوه! حواست باشد قلبت را سفت بچسبی که مبادا با گناهی دل فاطمه‌ی زهرا(ع) را بلرزانی!» و کسی به تمام مردها می گفت:

«دختر مسئولیت توست نه اموال تو! حواست باشد او ناموس توست! که غیرتت باید چتر شود و او را از بی پناهی و تنهایی برهاند نه اینکه سایه‌ی ترس و بی کسی را بر سرش بگسترانند.»

و اما تو دختر جان!

مبادا گله کنی یا جا بزنی! سایه‌ی ها را پس بزن و سفیدی ها را در آغوش بگیر. هر کجا کم آوردی به پشت سرت به تاریخ نگاه کن تا بدانی می شود همچون زینب(ع) بود؛ قوی و شیردل! چنانکه در وصفش بنویسند: «کربلا در کربلا

میمانند اگر زینب نبود!» می شود چون حضرت معصومه(ع) همپای برادر بود و عشق و انتظار را به اندازه‌ی قرن‌ها به تصویر کشید! یا می شود شبیه مادرانی بود که با دلی قرص و محکم پسران رشیدشان را راهی میدان جنگ کردند و پشت سرشان آب ریختند و سال‌ها انتظار را بی هیچ گله ای دوام آوردند.

حالا برگرد و به اطرافت خوب نگاه کن. فهیمه احمدی ها، ارغوان رضایی ها و معصومه فیروز آبادی ها و هزاران هزار زن دیگر را که زیبایی اراده خودشان را باور کرده‌اند و به گوش جهان رسانده‌اند خوب ببین! بین که چگونه جایی درست وسط ذهنشان نوشته‌اند: «من کوثرم!» و چه تعبیری قشنگ تر از اینکه «ما به تو خیر فراوان عطا کردیم.»

روزت مبارک

ای خیر فراوان خدا



این گوی و این میدان!

✍ علی محمد توکلی



مجلس شورای اسلامی پایگاه اساسی نظام و مردم و مایه حضور و مشارکت واقعی مردم در تصمیم گیری ها و مظهر اراده ملی است. مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت ویژه و والایی برخوردار بوده و محور بسیاری از تصمیم گیری ها، قانون گذاری ها و برنامه ریزی هاست و چراغ هدایت دولت و ملت را در دست دارد. مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت مجلس معتقدند: «مجلس شورای اسلامی، یک مرکز اساسی و تعیین کننده برای انقلاب است و سررشته همه امور به مجلس بر می گردد». ایشان در دیداری که با نمایندگان مجلس دهم داشتند، با تاکید بر لزوم حفظ اقتدار، هیبت، و جایگاه در راس امور بودن مجلس، به الزامات قانون گذاری خوب در مجلس اشاره کردند. در این دیدار آیت الله خامنه ای به نقش مهم مجلس در مسائل اقتصادی به خصوص کار آفرینی، انقلابی بودن، انقلابی ماندن و انقلابی عمل کردن نمایندگان را تاکید کردند.

مجلس دهم با تمام حواشی و انتقادات، در حالی به پایان رسید که در این مجلس، ۲۴۷ نفر از نمایندگان کاندیداتوری خود را برای مجلس یازدهم اعلام کردند اما نزدیک ۹۰ نفر از این افراد رد صلاحیت شدند!! این خود بیانگر فاجعه ای بزرگ در مجلس شورای اسلامی بود که دلیل رد صلاحیت آنان به گفته شورای نگهبان اکثرا به خاطر فساد مالی و اقتصادی بوده است. مردم از عملکرد

مجلس دهم، واکنش آنها نسبت به وضعیت اقتصادی و معیشتی و عدم توجه به مشکلات عدیده ملت، بسیار ناراضی بوده و در اثر بی اعتمادی که از عملکرد بهارستان نشین ها و دولت در بین مردم ایجاد شده بود، مردم چندان تمایلی به شرکت در انتخابات نداشتند. با این وجود با رهنمود های رهبری، مردم بار دیگر پای انقلاب و انتخاب خود ایستاده و در انتخابات مجلس یازدهم شرکت کردند؛ اما این بار با دقت در انتخاب خود!

مجلس یازدهم به ریاست محمدباقر قالیباف شروع به کار کرد. قالیباف در اولین نطق خود به عنوان رئیس مجلس، مهم ترین فرصت جمهوری اسلامی را وجود مقام معظم رهبری و راهبرد های حکیمانه ایشان دانسته و راه حل عبور نظام از طوفان های سخت عنوان کرد. قالیباف همچنین با تاکید بر سخنان رهبری، تبعیت از راهبردهای حکیمانه ایشان در پیشبرد اهداف مجلس را الزامی دانسته و گفت: مجلس شورای اسلامی باید دوباره به راس امور بازگردد.

مجلس یازدهم با وجود افراد کاردان، موثر و انقلابی سطح توقع مردم را بالا برده است. از جمله انتظارات مردم از مجلس و نمایندگان، بحث شفافیت است. انتظار طیفی از مردم، پیگیری شفافیت آرا در مجلس است تا سنگ بنایی برای ادوار دیگر پارلمان باشد. این همان صداقت و اتقاق شیشه‌ای نمایندگان خانه ملت با ولی نعمتان خود است که امروزه مردم بیش

از هر چیزی به راست گویی نیاز دارند. تلاش برای فعال تر کردن دولت برای حل مشکلات، از دیگر انتظارات مردم از مجلس می باشد. توجه به جوانان و استفاده از ظرفیت آنها همواره مورد تاکید مقام معظم رهبری به تمامی دستگاه‌ها بوده که این شامل مجلس شورای اسلامی می‌شود. وحدت و همدلی برای حل مشکلات کشور، موضوعی مهم است که همواره تمامی فعالان سیاسی و مسئولان بر آن تاکید داشته اند. انتظار همه از مجلس یازدهم، پرهیز از طرح موضوعات اختلافی و تمرکز بر حل مشکلات و حتی داشتن وحدت بین تمامی طیف‌های فکری است. شعار دولت‌ها و مجالس همواره بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی بوده که بررسی میزان موفقیت آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد و مجلس یازدهم هم از این قاعده مستثنی نیست! منتخبان امروز و کاندیداهای دیروز در رقابت‌های انتخاباتی شعارهایی با این محتوا داده اند که امروز انتظار مردم به ویژه قشر جوان عمل به این وعده مهم است. در کنار آن باید وضعیت بازنشستگان و معلمان و کارگران در این و انسفای اقتصاد کرونایی هم مورد اهمیت قرار گیرد.

انتظار می‌رود نمایندگانی که وجاهت خود را از رای مردم کسب کرده اند، در دوران چهار ساله پیش رو، تمام تلاش خود را برای عمل به این انتظارات و وعده‌های خود قرار دهند.

با سلام و صلوات واتساپ رو باز می کنم و با انبوهی از پیام های نخونده مواجه میشم! از بین گروه های درسی خودم، گروه خانوم پناهی رو پیدا میکنم. در تمام این یک هفته ای که واتساپ نیومده بودم سر جمع چهار تا پیام شیر کردن تو گروه! / بعد استادم از من انتظار داره با همین چهار تا پیام گزارش کارورزی بنویسم! حالا من که گزارش رو از یه جایی کپی می کنم ولی آیا این بچه ها نباید یه چیزی یاد بگیرن؟؟

از چند تا کمپین زدن. تلاش هاشون رو برای غیرحضوری بودن امتحان ها می بینم و همزمان به این فکر می کنم که ما برای کشتن استعداد های بچه ها چه هزینه ی سنگینی قراره بدیم؟! حتم دارم که بعد از این «انتخاب رشته» نسبتا لعنتی که همه بخاطرش این ریسک بزرگ رو تحمل می کنن، الهه فکر می کنه سنتور داره مزاحم دکتر شدنش میشه! دریا دیگه روی بشقاب نقاشی نمی کنه چون احتمالا یه خانم وکیل رو چه به این کار ها!! و دریا همه ی ذوق هنریش رو بین مسئله های انتگرال و هندسه گم می کنه... به خودم که میام می بینم دارم به پایان پیام های گروه می رسم. بدون این که متوجه بشم، یک ساعتی درگیر خوندن پیام ها بودم! پیام آخر رو می خونم که ثمین نوشته: «خانوم قسمت نشد با همکاری شما امتحان بدیم (: فردا اولین امتحانمونه. من خیلی از کرونا میترسم / لطفا دعامون کنید.»

می گم: «آدم نیستم اگه جوری بهت تقلب نرسونم که معدلت ۲۰ شه!». پیام ها رو ادامه میدم. از دلنوشته های عاشقانه ای که محیا می نویسه، از کلیپ های تیک تاک ثمین که با دیدنشون از خنده ریسه میرم، از ایده هایی که نرگس برای لباس هانیه میده و از نقاشی هایی که دریا روی بشقاب می کشه می گذرم و می رسم به پیامی که نوشته: «امتحانات پایه نهم به صورت حضوری برگزار خواهد شد!!!» در جریان این قضیه که امتحانای پایه دوازدهم به خاطر تاثیر سوابق تحصیلی تو کنکور قراره حضوری باشه هستم، ولی نهم دیگه چرا؟ پیام رو ریپلای می زنم و می نویسم: «وات د فاز؟» یکی از بچه ها جواب میده: «چون نمره های ما تو انتخاب رشته تاثیر داره!». چند ثانیه ای صبر می کنم. هیچ کلمه ای برای گفتن پیدا نمی کنم. ناخودآگاهم بچه ها رو در حالی تصور می کنه که کرونا گرفتن! سعی می کنم افکار منفی رو کنار بزنم اما نمی تونم! کی ضامن سلامتی بچه هاست؟؟ پروتکل بهداشتی چی؟؟ کشک چی؟؟ مگه می تونن بین بیست نفر که تو فضای بسته دارن امتحان میدن، بهداشت برقرار کنن؟ بر می گردم به همون قسمتی از پیام ها که نخونده مونده بود. در ادامه بچه ها حرف

میرم تو گروهی که شاگردای خانوم پناهی آدم کرده بودن. این گروه هدف والایی داشت! قرار بود تو یه کار خیر سهیم بشم و چند نفر از بندگان خدا رو از تجدیدی مطلق نجات بدم. برخلاف گروه خود خانوم پناهی، این گروه کلی پیام نخونده داره. از اولین پیام شروع میکنم به خوندن. کرونا اجازه نداد که چهره ی بچه ها یادم بمونه ولی من از روی عکس پروفایل هاشون میشناسمشون. تینا یه آلبوم از عکسای بی نظیری که گرفته فرستاده گروه. این دختر میتونه بعد ها یه عکاس فوق العاده بشه! با لذت تک تک عکس رو نگاه می کنم، یه عکس رو ریپلای می کنم و میگم: «میشه اینو بذارم پروفایلم؟» تو لحظه سین می کنه و میگه: «وای نات؟ دونت تینک انی سینگ اِلِس». برمیگردم به عکس ها تا ادامه ی پیام ها رو ببینم. سبا داشته به مهسا کمک می کرده که ویندوزش رو اکتیو کنه. مهسا کمی خنگ بازی درمیاره و من زار زدن سبا پشت گوش می رو به وضوح از لحن تاپیش میبینم! پیام بعدی یه کلیپ از سنتور زدن الهه است برای چند دقیقه، مات مهارتش تو ساز زدن میشم. چند تا ایموجی چشم قلبی براش ریپلای می کنم. بعد از کلیپ الهه، پیام جوین شدن یه نفر تو گروه رو می بینم! که بعد از جوین شدن نوشته: «بچه ها من امروز تونستم گوشه بخرم هوای من رو بیشتر داشته باشین که هیچی نخوندم». چهار تا فوش به روزگار میدم؛ با خودم



دست‌غیربومی‌ها در پوست‌گردو

تا رسیدیم به یکی از اطلاعیه‌های آموزش مبنی بر اینکه: از ۱۷ خرداد به مدت دو هفته اساتید برای رفع اشکال در پردیس حضور دارند اما طبق دستور، خدمات اسکان و غذا ارائه نمیشه.

چرا احساس می‌کنم این پیام نمود یکی از بی‌عدالتی‌ها و بی‌نظمی‌ها در محیط دانشگاه است؟!

دانشجویان عزیز بومی خیلی راحت میتونن تشریف ببرن دانشگاه و اساتید رو ببینن و سوال‌هاشون رو مطرح کنن، اما دوستان غیر بومی چی؟ به همین راحتی میتونن بیان دانشگاه؟ اصلا تمام ساعات تمام اساتید در محیط دانشگاه هستن؟

اگه دانشجویی ۳ ساعت تو راه باشه که بیاد دانشگاه و استاد خاصی که مد نظرش هست رو ببینه اما اون استاد در اون تایم در دانشگاه نباشه قراره چی بشه؟ دانشجو کجا قراره استراحت کنه؟

ای کاش سرسری تصمیم نمی‌گرفتیم و تمام جوانب یک تصمیم رو می‌سنجیدیم و برنامه ریزی دقیقی برای اینکار انجام میشد!

مدرس‌ان عزیز

به عنوان یک دانشجو معلم که انتظار داشتم از اساتید مجرب خیلی موارد رو در این برهه حساس یاد بگیرم اما این چنین نشد، بی‌انصافی نکنیم نکاتی مثل: تشکیل گروه، منتظر ماندن به مدت یک ماه برای عضو شدن دانشجویان در گروه، فرستادن وویس و کلیپ‌های ناقص، اساتید بسیار فعال هم قرار دادن لینک حضور غیاب در تایم‌های مختلف در گروه و... این‌ها رو خیلی خوب و دقیق آموختیم. همینجا از استاد عزیزی که تکلیفش رو ۳ ماهه تعیین کرده و زمان داده برای انجامش تشکر می‌کنم اما داشتیم اساتیدی که اواسط خرداد ماه تشریف آوردند و از ما تکالیف عملی بسیار سختی خواستن و ما مجبور بودیم در مدت زمان اندک انجام بدیم. جالب تر از همه، استاد محترمی بود که تکالیف عملیش رو اومد تو گروه اعلام کرد و آفلاین شد و رفت و ما روزها و ساعت‌ها منتظر موندیم تا شاید ایشون بار دیگر آنلاین بشن و ببینن که تکالیف رو براشون ارسال کردیم، اما خبری نبود که نبود.



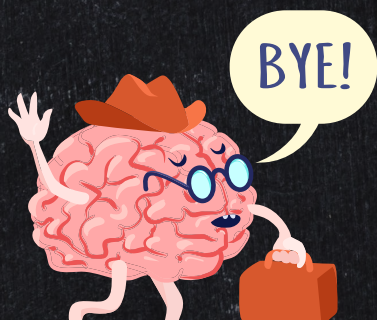
کرونا بهتر است یا مشروطی؟

در روزهایی که حتی مسئولین هم اطلاعی ندارند که امتحانات مجازی برگزار میشه یا حضوری و بیان می‌کنند که مرکز باید تصمیم بگیره، یه روز که از خواب بیدار میشی و وارد صفحه اینستاگرامی خودت میشی میبینی همون مرکز، خبر از بازگشایی دانشگاه بعد ماه رمضان و برگزاری امتحانات به صورت حضوری منتشر کرده، دوست داری سریع به دوستان اطلاع بدی اما دوباره برمیگردی سراغ اینستا تا خبر رو کامل بخونی اما با خبر مسئول محترم دیگه ای مواجه میشی که گفته بازگشایی دانشگاه‌ها توهمی بیش نیست!!! سردرگم از اینکه تکلیف تو دانشجو این وسط چیه؟ حالا دیگه دانشجویان هم دو دسته شدن بخش عظیمی از ورودی‌های ۹۵ که مشتاقن برگردن به دانشگاه و سیل عظیمی از دانشجویان که نگران محیط خوابگاه هستن. حق هم دارن و اصلا بی‌راه نمیگن، زندگی توی اتاق ۱۶ نفره یعنی فاجعه یعنی احتمال ابتلا به کرونا بیشتر و بیشتر میشه!

استاد رحم کنید خسته شدیم

و از زمانی که آموزش دومین اطلاعیش رو منتشر کرد با این موضوع: «تو جلسه‌ای که بود اختیار تمام امتحان به عهده خود استاد شد.» حالا کار ما دانشجویهای بیچاره شده خواهش و تمنا به استاد که امتحان نگیرید؛ «با وجود کارهای عملی بی‌شماری که انجام دادیم پس لطفا امتحان نگیرید» این رو

با این حرفانگیریم دانشجویرو وادار به عقب نشینی می‌کنند! حرف زیاد است و حوصله کم این قضایا در وادی فرهنگیان بدجور سر دراز دارد.



یکی از دانشجویهای شجاع که دل به دریا زده، در گروه می‌نویسد و پشت سرش پیام‌هایی با این محتوا: بله استاد، لطفا استاد، خواهش می‌کنیم استاد!

اما نتیجه را خودتون بهتر می‌دونید، اینجااست که استاد هیچ پاسخی به خواهش‌ها نمیده، یا با جمله‌ی نگران نباشید سر و ته قضیه رو هم میاره، یا با این عبارت که وقت همدیگر رو



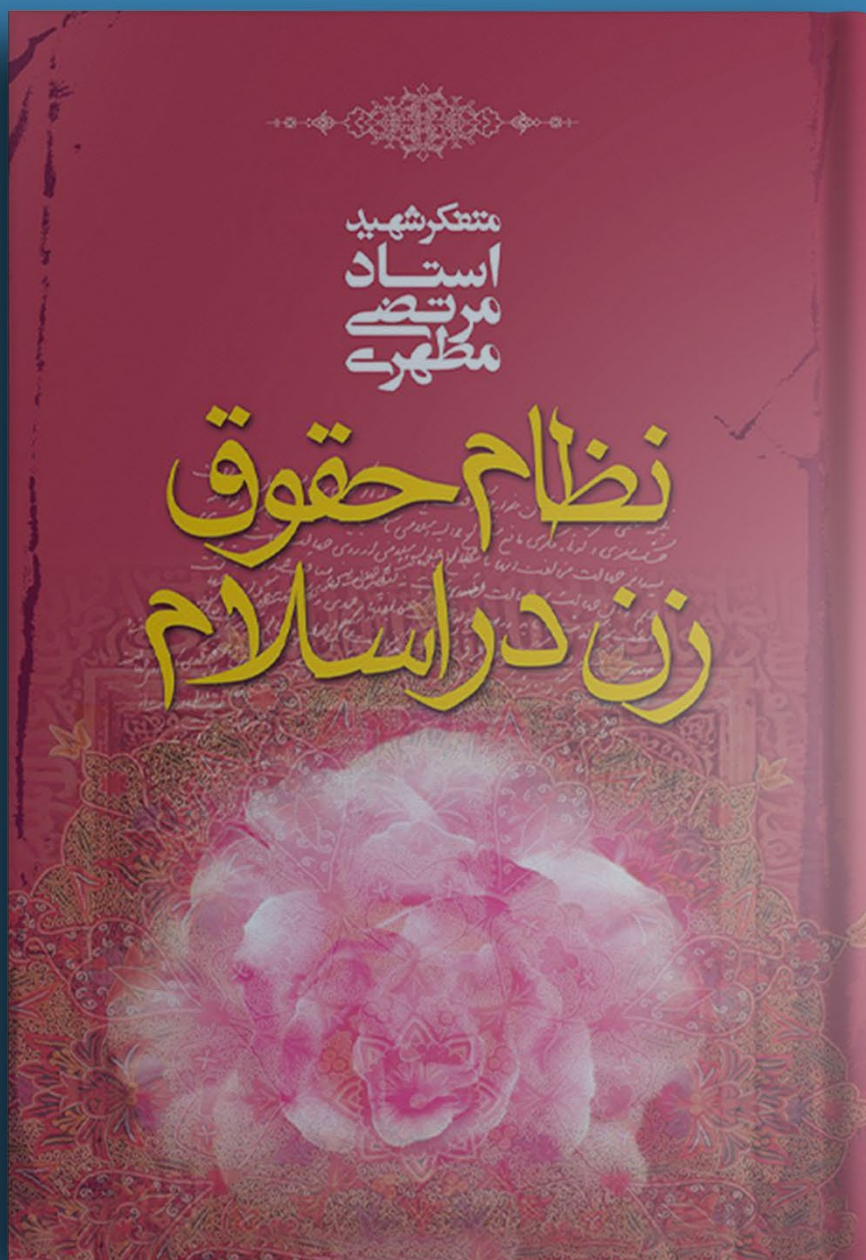
کتابخانه من

سید مجتبی حسینی

همچون خواستگاری، نامزدی، ازدواج موقت، زن و استقلال اقتصادی، مهر و نفقه، مسئله ارث، حق طلاق، اسلام و تجدد زندگی، مقام زن در قرآن و مسائل متنوع دیگری را مورد بحث و تحقیق عالمانه قرار داده‌اند. برای مثال؛ در بخش پنجم این کتاب، مقام انسانی زن از نظر قرآن تبیین شده است. استاد در این بخش به توضیح نحوه خلقت زن و همسانی سرشت زن و مرد، وجود زنان قدیسه در تاریخ انبیاء و اسلام و نیز تقدس ازدواج می‌پردازد و برخی باورهای نادرست در مورد زن را مورد نقد قرار می‌دهد. موضوع بخش هفتم هم تفاوت های زن و مرد است. استاد در این بخش ضمن استناد به دیدگاه برخی روان شناسان، تفاوت زن و مرد را به معنای نقص یکی و کمال دیگری نمی‌داند؛ بلکه معتقد است که قانون خلقت با ایجاد تفاوت در آفرینش زن و مرد، زمینه نیاز متقابل آن‌ها را فراهم نموده است و به این وسیله پیوند آن‌ها را محکم تر کرده است. همچون شماره قبل، فایل PDF این کتاب بسیار جذاب، پابین این صفحه برای شما همراهان قرار داده شده است.

طی سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ شمسی در مجله "زن روز" تحت عنوان «زن در حقوق اسلامی» می‌باشد. این مقالات در پاسخ به سلسله مقالاتی نگارش یافت که در آن‌ها پیشنهادهایی درباره تغییر قوانین مدنی مربوط به حقوق خانوادگی ارائه شده و مطالبی بر ضد نصوص مسلم قرآن عرضه گردیده بود. استاد با پاسخ‌های متقن و مستدل خود به این پیشنهادها، در واقع نظام حقوق زن را در مکتب متعالی اسلام طرح و تدوین نموده و مسائلی

از آنجا که در آستانه فرا رسیدن ولادت با سعادت کریمه اهل بیت حضرت معصومه (س) و روز دختر قرار داریم، برآن شدیم تا کتابی مربوط به حقوق زنان در اسلام را خدمت شما مخاطبان و همراهان نشریه معرفی کنیم. نام کتاب: «نظام حقوق زن در اسلام» این کتاب برای نخستین بار به در سال ۱۳۵۳ در قالب کتابی مستقل با مقدمه و پیشگفتار استاد مطهری منتشر شد. کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» در واقع مجموعه مقالات منتشر شده از استاد شهید مرتضی مطهری



QR
CODE

دریافت فایل PDF



میم.الف 

انگیز خواهد بود... (عجب رسمیه رسم نمونه...)

م

م

م

طنز

پرواز کرده رفته الان هرکاری میکنن
نمیتونن بشونش... یا استاد داشتیم
گفته برید ۲۴۶ صفحه امتحانای منو
تو سایت یکی بخر دوتا ببر ارزون
حساب کن مشتری شیم پاس کنین
تا نیم نمره ارفاق بدم... ضمناً آزمونم
احبابه.

از بحث ۹۵ یا جدا کنیم... ورودی های ۹۵ به چیزی مثنه دهه شصتیای خودمون... اینا کاشتن ورودی های بعدی خوردن... تعدادی از ورودی های قبلی هم میومدن میخوردن ولی در کل برا بعدیا بهتر شد... من اوزوم با نقد اونجا شخم زدم دستام تاول زده... بعد دانشگاه دلمون خوش بود خدمت اجباری نمی‌ریم، آوردن ازدواج اجباری گذاشتن... ولی خب اینم مثنه همونه مثلاً اونایی که کف پاشون صافه معافن...، یا مثلاً اونایی که باباشون جانبازی بر اثر ازدواج داره کسری میخورن...، اونایی که باباشون مامانشون زده کشته کلا

معاف

از خدمتن...، یا مثلاً چجوری پول داشته باشی میتونی خدمتو بخری... همونجوری اگه پول داشته باشی میتونی خونه بخری، یخچال بخری، کولر بخری، تخت بخری، بالش بخری، تشک بخری بعدم دیگه هیچی دا خوابی تو خونت راحت... البته اگه خانومت اجازه بده... مئه خدمت که اگه پارتی داشته باشی میفتی قسمت اداری، اینجام اگه پارتی داشته باشی خود اداره رو میگیری... شانس داشته باشی میفتی آشپزخونه، اینجا شانس داشته باشی زنت آشپز خوبی از آب درمیا... خلاصه قانون خوبیه با این قانون فک کنم طلاق ینی به کلی ریشه کن بشه... دلار بشه ۲۰ تومن (داره میشه همین فردا صفراشو ورمیدارن)، خونه ارزون بشه... سوراخ اوزون پارگیش برطرف شه و خیلی مزیت های دیگه که در قلم نمیگنجد...

امیدوارم طنزیم این ماهو با
شکر بخونید... به امید
روزهای بهتر و
روشن تر...
خدانگهدارتون



با اومدن کرونا اساتید کم
کم مهارتاشون تو عرصه
تکنولوژی رو به نمایش
گذاشتن... مورد داشتیم
استاد تو پیام رسان
کفتر کاکل به سر
کانال وا کرده بعد
گفته حرف بزنین
لعنتیا چرا فقط من
تایپ میکنم... میگو
موسس پیام رسان
بعد این حرکت خودش

این روز که به نام "روز دختر" نامگذاری شده در بین شیعیان جهان جایگاه ویژه‌ای دارد و خانواده‌هایی که دارای فرزند دختر هستند به بهانه این روز برای دختران خود هدیه می‌گیرند و بیش از پیش آنها را مورد محبت خود قرار می‌دهند. حضرت معصومه (س) در روز اول ذی‌القعدة سال ۱۷۳ هجری در شهر مدینه چشم به جهان گشودند. این بانوی بزرگوار از همان آغاز در محیطی پرورش یافتند که پدر، مادر و فرزندان، همه به فضائل اخلاقی آراسته بودند. روایت است که برادر بزرگوار حضرت معصومه (س)، حضرت امام رضا (علیه السلام) ایشان را معصومه صدا می‌کردند و جدشان امام صادق (علیه السلام) قبل از تولد ایشان، حضرت معصومه (س) را به «کریمه اهل بیت» ملقب نمودند.

۸ مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی

این روز مصادف است با سالروز بمباران شیمیایی سردشت و روز مبارزه با سلاح شیمیایی و میکروبی؛ در این تاریخ هواپیماهای عراقی با سلاح‌های شیمیایی، چهار نقطه پر ازدحام شهر سردشت را بمباران کرده و هزاران زن و کودک را گرفتار گازهای شیمیایی کشنده کردند. ایران نیز پس از این واقعه، شهر سردشت را نخستین شهر قربانی جنگ افزارهای شیمیایی در جهان پس از بمباران هسته‌ای هیروشیما نامید. اگرچه در طول هشت سال جنگ تحمیلی، عراق بارها از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد، ولی فاجعه سردشت و حلبچه، از وخیم‌ترین فجایع بشری به شمار می‌روند.

۱۴ روز قلم

چهاردهم تیرماه از سال ۱۳۸۱ پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان «روز قلم» در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران ثبت شد. البته توجه به قلم در سرزمین ما پیشینه‌ای دیرینه دارد. سده‌ها پیش در ایران باستان، تیرگان یکی از مهم‌ترین جشن‌های ایران باستان بوده که آیین‌های مخصوصی داشته و یکی از آن‌ها پاسداشت قلم بوده است. یکی از دلایلی که برای این جشن ذکر شده، این است که هوشنگ، پادشاه پیشدادی ایران، نویسندگان و کاتبان را به رسمیت شناخت و آنان را گرامی داشت. مردم جشن گرفتند و آن جشن به یاد ارجمندی قلم بر جای ماند. دلیل دیگری هم که برای این جشن ثبت شده، این است که به نوشته ابوریحان بیرونی، ظاهراً چهاردهم تیرماه، روز ستاره تیر یا عطارد است و چون عطارد، کاتب ستارگان است، می‌توان این روز را روز قلم یا روز نویسندگان نامید.

۲۱ روز حجاب و عفاف

۲۱ تیرماه به عنوان روز حجاب و عفاف نامگذاری شده است. علت این نامگذاری رویدادی است که ۸۲ سال پیش رخ داد. ۸۲ سال قبل، در ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ بغض ایرانیان از اختناق استبداد در شهر مشهد ترکیب و تجمع کنندگان در مسجد گوهرشاد به جرم دفاع از حیثیت و عفت بانوان ایرانی به خاک و خون کشیده شدند.

۲۷ اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی ایران

این قطعنامه بلافاصله از سوی عراق پذیرفته شد، ولی دو روز مانده به سالروز صدور آن در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ از سوی ایران پذیرفته شد و سید روح‌الله خمینی (رهبر وقت ایران) در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ پیامی درباره پذیرش قطعنامه منتشر کرد که به «نوشیدن جام زهر» معروف شد. پذیرش این قطعنامه هرچند به معنای پذیرش آتش بس از سوی ایران بود، ولی عراق به حملات خود ادامه داد و مجدداً داخل خاک ایران شد تا نقاط مهمی از جمله خرمشهر را به دست بیاورد تا با وضع بهتری در مذاکرات حضور داشته باشد، اما موفقیتی به دست نیاورد و نهایتاً جنگ در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ پایان یافت.

۳۱ شهادت امام محمد تقی

امام محمد تقی علیه السلام با اصرار مأمون و رعایت مصالح جامعه اسلامی تن به ازدواج با ام الفضل -که از اصالت خانوادگی برخوردار نبود- می‌دهد و برای حفظ نسل و استمرار امامت، همسر دیگری انتخاب می‌نماید، چون تقدیر الهی بر این تعلق گرفته بود که از دامن ام الفضل نسلی به وجود نیاید. سرآخر هم عدم اصالت خانوادگی، نازی، وجود همسر رقیب و توطئه و دخالت‌های دیگران در وجود این زن نگون بخت اثر گذاشت و او را به قتل شوهر نازنین خویش وادار ساخت.

مدارس به دلیل اینکه افراد زیادی در تماس با هم قرار می گیرند و مدت زمان زیادی را با هم می گذرانند باید از نظر بهداشتی محیطی کاملاً مناسب و تمیز باشد. بچه ها می توانند بیماری های واگیردار یا غیر واگیردار داشته باشند. در هر دو حالت هم کارکنان و هم

مستولان مدرسه و هم خود دانش آموزان باید آگاهی های لازم را داشته باشند. علاوه بر آگاهی، باید در مورد اقداماتی که در صورت بروز مشکل باید انجام شود نیز اطلاع یابند و عملکرد به موقع و موثری داشته باشند.

اصطلاح دیگری در مورد فشار خون وجود دارد به نام فشار خون عصبی که به صورت عام رواج دارد و یک اصطلاح پزشکی نیست. زمانی که فرد می گوید فشار خون عصبی دارد، منظور وی فشار خون در هنگام عصبانیت و استرس است. استرس و عصبی شدن می تواند فشار خون را بالا ببرد، اما نکته جالب اینجاست که استرس می تواند فشار خون شما را پایین هم بیاورد! این اتفاق بیشتر در کلاس های درس هنگام پاسخگویی دانش آموزان می افتد. وقتی فرد استرس داشته باشد و سر پا ایستاده باشد، نیروی جاذبه خون را به سوی قسمت های پایین می کشاند و بدن برای جبران کمبود خون در قسمت های بالایی سعی می کند ضربان قلب را بالا ببرد تا مطمئن شود مغز به اندازه ی کافی خون دریافت می کند. گاهی این مکانیسم در بعضی افراد با شکست مواجه می شود و فرد دچار افت ناگهانی فشار خون می شود.

جیوه و دیاستولیک کم تر از ۶۰ میلی متر جیوه داشته باشد و با علایمی مثل سرگیجه و ضعف همراه باشد، می گوئیم فشار فرد افت کرده است.

علایم کاهش فشار خون:

۱. سردرد یا سرگیجه
۲. غش
۳. تاری دید
۴. حالت تهوع
۵. خستگی
۶. عدم تمرکز
۷. شوکه شدن

علل فشار خون پایین:

۱. استرس و اضطراب
۲. بارداری
۳. مشکلات قلبی
۴. مشکلات غدد درون ریز
۵. کم آبی بدن
۶. از دست دادن خون
۷. عفونت شدید
۸. واکنش آلرژیک شدید
۹. کمبود مواد مغذی در رژیم غذایی مثل کمبود ویتامین B12
۱۰. مصرف بعضی از داروها

پیامدهای ناشی از کاهش فشار خون:

در موارد خفیف شاید فقط علائم ضعف و بی حالی در این افراد مشاهده شود، اما اگر افت فشار خیلی شدید باشد ممکن است عوارضی مانند آسیب های کلیوی، کبدی و حتی آسیب های مغزی و قلبی رخ دهد.

یک معلم علاوه بر ضروریات آموزش و نحوه تدریس، باید یک روانشناس، حافظ محیط زیست، جامعه دان، هنرمند، پرستار و یک پزشک باشد.

معلم وظیفه دارد دانش آموزان را به درس علاقه مند کند نه اینکه فضایی را به وجود بیاورد که مدرسه سبب نفرت آنان شود و هر وقت که خرداد ماه تمام می شود، دانش آموزان نفس راحت بکشند! اگر شرایطی به وجود بیاید که بچه ها در مدرسه دچار استرس و اضطراب شوند، مشکلاتی به وجود می آید که تاثیرات لحظه ای و نیز بلند مدت خواهد داشت.

شایع ترین اتفاقی که در مدارس در همه ی سنین شاهد آن هستیم افت فشار خون و قند خون است. در این شماره به افت فشار خون خواهیم پرداخت.

کلیات فشار خون:

به مقدار فشاری گفته می شود که توسط خون در جریان، به دیواره رگ ها وارد می آید و یکی از علائم حیاتی است.

فشار خون شامل دو عدد است؛ سیستولیک و دیاستولیک فشار سیستولیک نشان دهنده ی فشار درون شریان ها در زمان پمپ خون توسط قلب است. و فشار دیاستولیک نشان دهنده ی فشار در شریان ها در زمان پر شدن قلب از خون است. فشار خون طبیعی ۱۲۰ بر ۸۰ میلی متر جیوه است. اگر فردی فشار خون سیستولیک کم تر از ۹۰ میلی متر

درمان:

با تغییر وضعیت از حالت ایستاده به نشسته یا خوابیده و بالا آوردن پاها به طوری که بالاتر از سطح بدن قرار گیرد، می توان سبب بازگشت خون بیشتر به قلب شد و افت فشار خون را جبران کرد. مصرف نمک به مقدار کم نیز به همراه مایعات در بالا بردن فشار خون موثر است.

به پایان آمد این دفتر...



سیاسی می کنند، گروهی پژوهشی، و ... اما ورودی های ۹۵ همه این خصوصیات را یک جا داشتند! (آن که خوبان همه دارند تو یک جا داری) سیاستمداران ورزشکار پژوهشگر با اخلاق هنرمند! (چشم بد به دور)



و متفاوتی بودند! چه از نظر ویژگی هایی که داشتند و چه از نظر اتفاقات و تحولاتی که با ورود آنها اتفاق افتاد. بالطبع ورودی های مختلف دارای سلیق مختلفی هستند. مثلاً گروهی استعداد ورزشی دارند، گروهی فعالیت

طبیعتاً متولدین هر دهه و ورودی های سال های مختلف در دانشگاه، خصوصیات اخلاقی و تیپ های شخصیتی متفاوتی دارند. در این میان ورودی های ۹۵ شاید از نظر خودشان و حتی بقیه نیز ورودی های خاص

طوری که در سال ۹۷ مسئولیت شکل ها و کانون های مختلف دانشگاه از جمله شورای صنفی، بسیج، انجمن اسلامی و بسیاری از کانون های دانشگاه را در دست گرفتند و فعالیت های بدیع و تازه ای را شروع کرده و به انجام رساندند. شروع سال ۹۸ کم کم آغازی بود بر پایان این ورودی ها که حالا کوه تجربه بودند و کوه دردا به پشت سر و به کارهایشان که نگاه می کردند، به عمر ۴ ساله ای که در این دانشگاه سپری کرده بودند غبطه می خوردند. کم کم خود را آماده دل کندن و بار سفر بستن از دانشگاه می کردند و منتظر جشن فارغ التحصیلی مفصلی در پایان کارشان بودند که حادثی از دی ماه ۹۸ شروع شد و با پیوستن ویروس کرونا، همه برنامه ها به هم ریخت؛ کمتر نود و پنجمی تصور می کرد که این چنین باید از دانشگاه دل بکند و بار سفر ببندد اما هیچ کس نمی تواند آینده را پیش بینی کند! اما نود و پنجمی ها هنوز هم سماجت و سرسختی خود را دارند و خود را آماده می کنند برای ورود به جامعه ای که بیشتر از دانشگاه نیاز به تعمیر دارد و نسلی که منتظر است به دست این ورودی ها تربیت شده و وارد جامعه شود. آن ها مصمم اند و آماده تحول سازی! در آینده بیشتر از این ورودی ها خواهیم شنید...

ساختن؛ ساختن آرمانشهرشان! نیمه های سال ۹۵، کم کم مدیریت قسمت های فرهنگی دانشگاه را در دست گرفتند. سال ۹۶، که سال دوم تحصیلشان بود، همزمان شد با انتخابات ریاست جمهوری و دوباره این ورودی ها خط شکن شدند در جو سنگین سکوت، فضا را باز تر نمودند و به عبارتی آزادی بیان را به علامه آوردند. حتی با وجود مقاومت های فراوان، کم کم آزادی پس از بیان نیز آوردند! در سال ۹۶ تئاتر را که بخش گمشده این دانشگاه بود به ارمغان آوردند و در زمینه تئاتر طنز و انتقادی، پا را از خط قرمزهای بی ربط دانشگاه فراتر گذاشتند. در سال ۹۷ تحول را افزون تر نموده و با در دست گرفتن قسمتهای مهم فرهنگی و سیاسی دانشگاه، کارهای بزرگی را شروع کردند؛ به

در ابتدای ورودشان هر روز زمزمه صدور احکامشان را داشتند و برخلاف ورودی های قبلی که سکوت را ترجیح می دادند، انقلاب هایی هم در این زمینه کردند و به نتیجه هم رسیدند. از همان بدو ورود، دغدغه داشتند فراوان! چرا که قبل از ورودشان، فرهنگیان را آرمانشهری تصور می کردند که قرار بود محل برآورده شدن آرزوهایشان باشد؛ اما بعد از ورود، مشاهده نمودند که انگار دارند چیز دیگری داغ می کنند! شاید هم همین کباب های دانشگاه را داغ می کردند! اما این را به یاد داشته باشید که سمج تر و سرسخت تر از ورودی های ۹۵ پردیس علامه امینی تبریز وجود ندارد؛ می پرسید چرا؟ چون بعد از مشاهده اوضاع دانشگاه، نه تنها عقب نشستند و مثل قبلی ها دست روی دست نگذاشتند، بلکه شروع کردند به



فساد تمدن ساز

✍ علی حساری



آموزش و پرورش، نهادی دولتی است که بر گرفته از توان و محتوای ایدئولوژیک یک کشور است و به علت اینکه آینده سازی و تربیت نسل را بر عهده دارد با آبروی نظام ساختاری کشور گره خورده است؛ همه ی این دلایل جمع می شود تا حساسیت مدیریتی و مالی این مسئله را در بین افکار عمومی بسیار بالا ببرد و در کل اعتقاد بنده این است که در افکار عمومی که تاثیر مستقیم بر مدیریت کشور دارد، عملکرد رسانه ملی بر میزان اعتماد افکار عمومی به صداقت سیاسی و رفتاری و آموزش و پرورش موثر است و میزان اعتماد مردم به میزان اهمیت مردم برای این نظام است. پس تشکل ها و افراد دغدغه مند و مطالبه گر باید توجه ویژه ای به این مسائل داشته باشند.

چندی است که در استان آذربایجان شرقی اخباری از فسادهای گسترده در سیستم آموزشی در رسانه های جمعی منتشر می شود و اعتماد افکار عمومی را نسبت به این دستگاه را خدشه دار می کند. افراد و تشکل های دغدغه مند، ورود اعتقادی و برگرفته از تعصب ایدئولوژیک انقلابی به این مسئله داشتند

و با موضع گیری های متعدد و بی پایه ، اعتراض خود را به این قضیه نشان دادند و دلسوزانه خواستار شفافیت این شبهات از طرف راس ساختار آموزش و پرورش استان شدند. این در حالی است که در ساختار مدیریتی کشور و استان هیچ توجهی به این قضیه نشده و دستگاه های تصمیم گیر و نظارتی نه تنها اقدامی علنی در مقابله با این فسادها نشان ندادند بلکه

از فرد خاطی نیز طرفداری کردند! این بی توجهی به مسئله مهم فساد در آموزش و پرورش، می تواند اثرات بسیار مخربی در جامعه ی روانی استان داشته باشد. مسئولان باید این قضیه را با ساختار های مختلفی مثل شهرداری و شورای شهر اشتباه نگیرند.





تخصص یا تعهد؟

فاطمه شمع سوزان

امروز رفتیم سراغ یکی از افراد موفق در زمینه شغلی و فرهنگی و اجتماعی که مطمئناً معرف حضور خیلی هاتون هستن و اسمشون رو بارها شنیدید. ما رو همراهی کنین در خواندن این مصاحبه بسیار عالی از این فرد موفق:

سلام. خودتون را معرفی کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم. من بهنام امیریان هستم، فرهنگی و شاغل در آموزش و پرورش شهر تهران.

اهل کدوم شهر هستین آقای امیریان؟

متولد شهرستان هشتگرد و بزرگ شده همین شهر هستم و بعد که وارد مرکز تربیت معلم شدم ساکن شهر تبریز شدم تا سال ۹۵. از سال ۹۵ هم در تهران هستم.

میزان تحصیلات، رشته و دانشگاه محل تحصیل؟

لیسانسم آموزش ریاضی است از دانشگاه تربیت معلم یا همان فرهنگیان فعلی، کارشناسی ارشدم هم در زمینه مدیریت اجرایی است.

برامون از فعالیت های دوران دانشجوییتون بگین.

فعالیت های دانشجویی من معطوف است به قبل از دانشجو بودنم؛ به عبارتی آشنایی با تشکل ها. در دانشگاه، ما دانشجوی صرف نبودیم. در آن زمان طیف گسترده ای از دانشجو معلمان متعهد و با کفایت و دغدغه مند جمع شدیم و فعالیت های خوبی رو بنا گذاری کردیم و بنده افتخار داشتم مسئولیت بسیج دانشجویی مراکز تربیت معلم رو عهده دار باشم و همین فعالیت باعث شد که من مسیر زندگی خودم رو بر مدار جریان آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت بنا گذاری کنم.

تجربه شما از مسئول بودن در بسیج دانشگاه؟

طبیعتاً بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان بستر خیلی مناسبی بود

که بتونیم مدیریت های آینده نظام آموزش و پرورش رو از همینجا مبتنی بر آرمان های امام و انقلاب طرح ریزی کنیم و دانشجویهای دغدغه مندی که با کفایت بودن رو کارآمد تر کنیم. بالاخره نقص فعالیت در بسیج و ساختار اعتقادی و مدیریتی بسیج تجربه گران سنگی هست اما من دغدغه ای که داشتم، چه در بسیج و چه در جاهای دیگر که توفیق حضور داشتیم، این بود که بتونیم کادرسازی کنیم، تربیت نیرو کنیم، تربیت مدیر کنیم برای آینده و آینده های این نظام؛ مسئله خیلی مهمی که نوعاً غافل بودیم از این بحث و حرکات و جهت گیری های خاصی در این زمینه اتفاق نیفتاده بود.

از فعالیت ها و مسئولیت های دیگری که داشتین برامون بگین.

مهرماه سال ۹۰ به عنوان «رئیس سازمان دانش آموزی استان» در ۲۱ سالگی منسوب شدم؛ حرکت خیلی نوید بخشی بود برای یک جوان دغدغه مند سرباز رهبری. نزدیک سه سال در این سمت بودم. همزمان فعالیت های تشکیلاتی که در راستای کادرسازی برای نظام و انقلاب و آموزش و پرورش انجام می دادیم، مورد توجه بزرگان قرار گرفت و بنده همزمان مسئولیت «مشاور استاندار» و «رئیس حوزه مشاوران جوان استاندار آذربایجان شرقی» رو عهده دار بودم. بعد از اتمام دوره

کارشناسی هم از سال ۸۹ تا ۹۰ به عنوان «مشاور مدیرکل آموزش و پرورش استان» مشغول به کار شدم. بعد از شروع به کار دولت یازدهم، بنده هم از مشاور استانداری و هم از ریاست سازمان دانش آموزی استان برکنار شدم. دوستان به من عنایت داشتند و با شناختی که از من داشتند، حدود دو سال به عنوان «مامور به خدمت» به شهرداری تبریز رفتم و عهده دار «مدیریت امور اجتماعی شهر داری کلانشهر تبریز» شدم و در این مدت کارهای فرهنگی و اجتماعی خیلی موثری شکل گرفت؛ در حوزه آسیب های اجتماعی، مبارزه با مواد مخدر، طلاق، توسعه مراکز و خانه های

سلامت، شیلتر بانوان، مراکز اقامتی ماده ۱۶ ویژه معتادان متجاهر و ...

به نظر شما متخصص بودن در کار معلمی مهمه؟

در رابطه با تخصص در کار، یک فرمایش از رسول اکرم هست که می فرمایند: «اگر کاری را بدون علم و تخصص و تجربه قبول کردید، قبل از اینکه آنجا را آباد کنید آنجا را نابود خواهید کرد.» بالاخره توصیه های فراوانی در این زمینه هست. درسته که امروز نگاه ما و نگاه کسانی که وارد مسئولیتی میشن، نوعا نگاه تخصص نیست؛ یعنی کمتر پیدا میشه کسی که خودش متوجه بشه متخصص نیست و نخواست پیشنهاد مسئولیتی رو قبول کنه. توجه به تخصص خوبه و هم اونهایی که مشغول به کار میشن و هم اونهایی که افرادی رو به کاری استخدام می کنن باید به تخصص توجه داشته باشن ولی در دین و نظام ما، در کنار تخصص به تعهد هم اشاره شده و نگاه آرمانی ما به این قضیه این است که تخصص و تعهد توأمان اتفاق بیفتند.

خیلی ممنون از اینکه وقتتون رو در اختیار ما گذاشتین

خواهش میکنم.
با آرزوی موفقیت
روز افزون برای
شما و همه
اهالی دست
به قلم
خانواده
« قلم »



اینفو معلم

لیلا هوشیار مجتبی شالچی زاده

کلاس درس بستری برای یادگیری همه دانش آموزان است و معلم اینجا سعی میکند مطالب مورد نظر را به دانش آموزان انتقال دهد اما گاهی پیش می آید که تعدادی از دانش آموزان در یادگیری درس مشکل داشته باشند.

این مشکل گاهی ممکن است به خاطر بی توجهی و بی علاقهگی دانش آموز به مطالب درسی باشد اما گاهی هم ممکن است دانش آموز دارای اختلال یادگیری باشد.

از سال ۱۳۷۳ سازمان آموزش و پرورش استثنائی اقدامی ویژه برای آموزش و کمک به این دانش آموزان انجام داده است. تاسیس «مراکز ال دی» گامی مهم در جهت کمک به خانواده هایی است که فرزندان آنها دارای اختلال یادگیری هستند.

ماهنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قلم

تعلیم و تربیت

شماره ۳۰ ام تیر ماه ۱۳۹۹



دولتی
غیردولتی

بیش از ۵۰۰ مرکز LD در کشور در حال فعالیت است که دو سوم آن دولتی و یک سوم آن غیر دولتی است.

«مراکز ال دی» با هدف ارائه خدمات آموزشی و توانبخشی به کودکان دارای اختلال یادگیری تاسیس شده اند.



کودکان دارای اختلال یادگیری عمدتاً در درس ریاضی فارسی دیکته مشکل دارند

تقریباً ۱۵ درصد از دانش آموزان در ایران دارای اختلال یادگیری هستند

در کشور حدود ۷۰۰۰ دانش آموز ابتدایی دارای اختلال یادگیری در این مراکز آموزش می بینند

کودکانی که دارای اختلال یادگیری هستند دارای نقص هایی در تنظیم اطلاعات، ادراک دیداری، ادراک شنیداری، حافظه، توجه و دقت هستند

ژنتیک، عوامل محیطی و نقص آموزشی علل اختلال یادگیری هستند

سن طلایی برای شناسایی و درمان اختلالات یادگیری بین سنین ۷ تا ۹ سال است

پس از تشخیص مشکل هر دانش آموز مراحل درمان آن توسط روانشناس یا معلم آغاز میشود

در مراکز ال دی برای شناسایی دانش آموز دارای اختلال، تست های دیداری-شنیداری و هوش را از دانش آموزان می گیرند.

شهرگرد

رعنا خدادای

چه بسیارند روستاهایی که در دل طبیعت بکر سرزمینمان ناشناخته مانده اند! ما در گردشگری روستایی، علاوه بر شناخت و تجربه ی زندگی محلی، می توانیم گامی مهم در راستای اشتغال زایی و حفظ محیط زیست برداریم.

عطر بهشتی ♥

هرکس که بخواهد بوی خوش مرا استشمام کند، پس گل محمدی را ببویید پیامبر اکرم (ص)

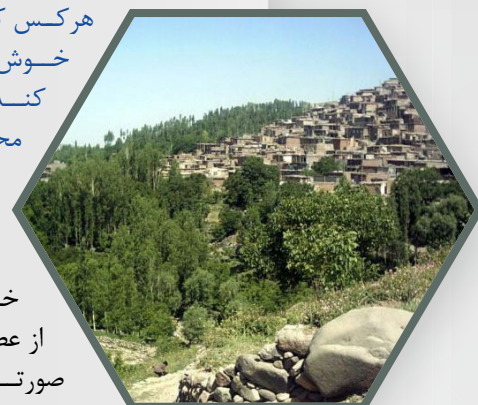
این روزها فضای خانه مان پر شده از عطر گلبرگ های صورتی رنگ پرپر شده ای که گوشه اتاق، خودنمایی می کنند. همین حس آرامش ما را به وجد می آورد تا از هیاهوی اطرافمان به دل طبیعت پناه ببریم و چه جایی بهتر از دیار گل های محمدی! وقت آن رسیده به شهرستان اسکو سری بزنیم؛ شهرستانی که یکی از قطب های گردشگری استان آذربایجان شرقی شناخته می شود.

چند کیلومتری که از اسکو بگذریم، رایحه ای که کوچه باغ های روستای گنبرف را فراگرفته است، ما را به سمت خود می کشاند. البته ممکن است نام گون بر (آفتابگیر) را نیز از زبان اهالی روستا بشنوید. اولین چیزی که توجهمان را جلب می کند، درختان کنار جاده است که به رسم خوش آمد گویی قامت خم کرده اند. هنگام ورود به روستا، کم کم بوته های گل سرخ که رنگ و روح تازه ای به این

روستا بخشیده اند، نمایان می شوند و پشت سر این بوته ها، درختان گردو به چشم می خورند. حتی فکر کردن به اینکه در کنار این باغ ها هم مسیر رودخانه می شویم و عطر دل انگیز گل های محمدی را استشمام می کنیم لذت بخش است! آنطرف تر، خانه های پلکانی روستا را می بینیم که انگار روی هم سوار شده اند و از دامنه ی کوه سهند بالارفته اند.

از درختان گردو و بوته زارهای گل محمدی که بگذریم، به دار قالی هایی می رسیم که به زیبایی هرچه تمام تر، هنر دست زنان روستایی را به رخ ما می کشند.

با رسیدن جشنواره گل محمدی، مردم روستا با زحمت تمام مشغول چیدن گلها از دامن طبیعت می شوند. حاصل دست رنجهان هم برای تهیه عطر و گلاب و ... به سایر نقاط جهان صادر می شود؛ به طوری که آوازه ی عطر گل سرخ، از کشور های دور دستی چون فرانسه که در صنعت عطرسازی زبانزد عام و خاص است، به گوش می رسد.



نویسنده، کارگردان و تهیه کننده :
کیانوش عیاری (مشخصه بارز
فیلم‌های عیاری، سبک واقع
گرایانه‌ی منحصر به فرد و
پرداختن به موضوعات بکر،
ملتهب و حساس است).

بازیگران:

مهدی هاشمی، شهاب حسینی،
مهران رجبی، نازنین فراهانی،
ناصر هاشمی، مینا ساداتی

فیلم‌بردار:
تدوین:
توزیع‌کننده:

داریوش عیاری
کیانوش عیاری
فیلمیران

تاریخ‌های انتشار:

۴ دی ۱۳۹۳ (اکران اولیه)
۱ آبان ۱۳۹۸ (اکران مجدد)
۲۲ آبان ۱۳۹۸ (اکران سوم)

مدت زمان:
کشور:
زبان:

۱۰۰ دقیقه
ایران
فارسی

فروش گیشه:
۱,۵۷۹,۵۶۱,۰۰۰ تومان

فاطمه عنایتی

نقدینه خانه‌ی پدری در نقد "تاجر" است یا "سنت"؟

خانه پدری یکی از آثار برجسته‌ی سینمای ایران و از بهترین فیلم‌های آقای عیاری است که به دلیل صحنه‌ای خشن، از نمایش آن در فضای عمومی جلوگیری شده بود. خانه پدری در شکل و روایت قصه، همانند «روزگار قریب» است، همان روایت گذر تاریخی از فرزند به فرزند بعد را دارد، در فرم و ساختار سینمایی نیز عالی و موفق است و برخی معتقدند که این فیلم در اصل در نقد "تاجر" است نه "سنت".



او را کشان کشان به قبر می‌کشد و به طرز فجیعی همراه پسرش او را می‌کشند و دفن می‌کنند! این صحنه به قدری غیر منتظره و شوک آور و قوی است که تا انتهای فیلم در ذهن می‌ماند. قتل در کمال خونسردی!

گودال در زیر زمین است، مهران رجبی با لبخندی پنهان در چهره‌اش به پسرش می‌گوید یک وجب بیشتر بکند و به نظر می‌رسد نهایتاً در حال تهدید دخترش است. اما ناگهان همه چیز جدی و فضا ملتهب و مضطرب می‌شود؛ دختر می‌گریزد و پدر پای

فیلم با لوکیشنی از یک خانه قدیمی شروع می‌شود و لحظاتی بعد دخترکی مضطرب این سو و آن سو می‌دود. در همان حال چهره‌ی آرام و مهربان مهران رجبی این حس را القا می‌کند که مسئله جدی نیست. هنگامی که برادر در حال کندن

بازیگران در برخی موارد با مهارت گریم و پیر می‌شوند ولی بعضاً تغییراتشان مصنوعی است و تغییر چندان‌ی در طول گذر زمان ندارند؛ مخصوصاً بازیگران زن. تمامی حوادث مهم نیز در زیرزمین اتفاق می‌افتد. پس امکان مانور دوربین برای چرخش و فاصله‌گیری از افراد کاهش می‌یابد. اما فیلم‌بردار و کارگردان تا حد ممکن از پس کار برآمده و از خستگی احتمالی تماشاگر چنان لوکیشن محدودی می‌کاهند. البته تحرک افراد در رفت و آمدهای متعدد، به خوبی بر یکنواختی محیط غالب است.

اشتباهی است. اما شاید این انتخاب عمدی بوده که همین تضاد باعث غافلگیری و شوک بیشتر مخاطب شود. در هر بار عوض شدن زمان، چند دقیقه‌ای طول می‌کشد تا شخصیت‌ها شناخته شوند و روابط بین آنها درک شود. شناختن شخصیت‌ها که به طور معمول در اکثر فیلم‌ها چند دقیقه‌ی اول فیلم را شامل می‌شود، در این فیلم هفت بار انجام می‌گیرد اما هنوز هم برای مخاطب گنگ است و غیر از سه شخصیت اصلی مخاطب فرصت نمی‌یابد بقیه شخصیت‌ها را بشناسد!

بازی‌ها نه آنچنان عمق دارد و نه خیلی سطحی است. لحظاتی درخشان و لحظاتی بدون جا افتادگی رو به افول است. بازی مهدی هاشمی و برخی از زن‌ها (مانند بازی دختر مقتول در سکانس اول) قابل تامل است اما مهران رجبی به دلیل نقش‌های مشابه، نتوانسته به شکل متفاوت‌تری ایفای نقش نماید. انتخاب مهران رجبی در نقش پدر، انتخاب عجیبی است، صدای آرام، چهره مهربان و سابقه نقش‌های طنز مهران رجبی، اصلاً به فضای خشن و شخصیت پدر متعصب نمی‌خورد و به نظر انتخاب

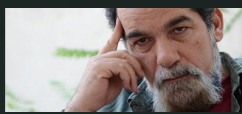
نگاهی کوتاه به فیلم

بررسی تکنیکال فیلم

اصغر فرهادی: فیلم «خانه پدری» خیلی خوب بود و من آن را خیلی دوست داشتم.



سعید سهیلی: ساختار مناسب و جذاب همراه با قصه‌ای خوب باعث می شود این فیلم درخشان دیده شود.



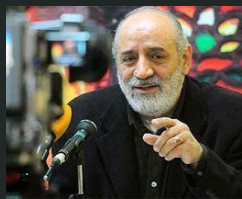
مسعود فراستی: این فیلم تنها فیلمی است که موافق توقیف آن هستیم. این فیلم ضد ملی و ضد ایرانی است؛ یعنی یکی این را ببیند می گوید ما با این وحوش طرفیم؟



عزیزالله حمید نژاد: «خانه پدری» فیلم بسیار موفقی از جهت قصه و تکنیک کارگردانی است و کیانوش عیاری در این فیلم سنگ تمام گذاشته است.



جمال شورجه: «خانه پدری» با توجه به اینکه مستقیماً در نمایش تضييع جامعه ایرانی با عقبه دینی و اعتقادی است، مستمسک منادیان دروغین حقوق بشر بر علیه ایران قرار می گیرد.



جمشید محمودی: امیدوارم آینده فیلمسازی من مانند کیانوش عیاری باشد. کسی که بعد از این همه سال همچنان فیلم محکمی مانند «خانه پدری» می سازد.



نرگس آبیاری: جدا از فیلم «خانه پدری»، نگاه رئال و مستند عیاری، آموزه‌های زیادی برای سینما دارد که بسیاری از سینماگران از کارهای او الهام می گیرند.

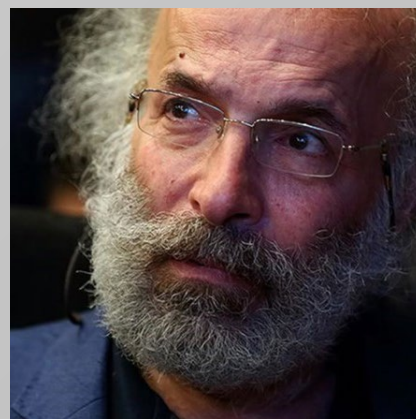


محمدرضا شهیدی فر: این فیلم خیانت به تاریخ و مردم این سرزمین است. وقتی مردم را این چنین تعریف کردند به نظرم دیگر در آن هیچ امر قابل اثباتی وجود ندارد. حرف زدن درباره یک دروغ هم باید به نیتی باشد و صرفاً برای تأثیرگذاری که آن‌هم در فیلم دیده نمی شود! جز این‌که بگوییم ایشان در دوره ای فیلم را ساختند که عصبانی و ناراحت بودند و البته این در فیلم نیز دیده می‌شد.



نقش اصلی

در این فیلم "مکان" یعنی خانه پدری، لوکیشن و شخصیت اصلی فیلم است، اما کارگردان در شناساندن همین شخصیت اصلی نیز الکن می ماند! هیچ نمای لانگ و به اصطلاح معرف از خانه پدری دیده نمی شود و همیشه نماهای بسته از زیرزمین و نهایتاً حیاط خانه نشان داده می شود و در طول گذر زمان نیز غیر از دو بخش آخر، هیچ تغییری در فضای خانه دیده نمی شود و انگار زمانی بر خانه نمی گذرد تا اینکه در سکانس آخر به یکباره فرسوده و متروک می‌شود.



حرف اصلی نویسنده و کارگردان

حرف اصلی کیانوش عیاری با به تصویر کشیدن فیلم با این صحنه خشن در بطنش چیست؟! صرفاً برای اعلام اتفاقات نادر جامعه؟ یا اینکه وی خانه پدری را نماد جامعه ایران می داند و می خواهد بگوید که این جامعه ی ساده همراه با خشونت، مردسالاری و ضایع کردن حقوق زنان، روزی چون «خانه ی فرسوده ی پدری» ویران خواهد شد و خطاهایمان نمایان می گردد؟! می‌گردد!!

مقاله دان

با عرض سلام و خسته نباشید دوباره خدمت شما بزرگواران. خب ما همواره این موضوع را می شنیدیم و صد البته بر آن واقف بودیم که معلم جماعت، امروزه باید دانش لازم را در ارتباط با تکنولوژی داشته باشد. ولی آیا این دانش صرفا با تحقیقات خود معلم و از طریق اینترنت صورت می گیرد؟ این مقاله بر آن است تا روش تدریس ساختارگرایی را که همه با آن آشنا هستید، با دانش تکنولوژی دانشجو معلمان تلفیق کند تا بتواند آنان را در محیط واقعی و بر اساس خلاقیت خود پیاده کند.

مقایسه تأثیر الگوهای آموزش مستقیم و ساختارگرایی بر افزایش دانش تلفیق تکنولوژی دانشجو معلمان

زهره حسینی*، استاد یار گروه تکنولوژی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

z_hosseini@azad.ac.ir

چکیده

گروه به عنوان محتوای لازم برای تلفیق تکنولوژی در تدریس انتخاب شد. در پایان ترم، داده های حاصل از پیش آزمون و پس آزمون، با استفاده از آزمون «کوواریانس» تحلیل شد. نتایج حاصل نشان داد بین تأثیر دو الگوی آموزش مستقیم و الگوی ساختارگرایی بر افزایش دانش تکنولوژیک پداگوژیک محتوا (TPACK) و مؤلفه های آن، برتری معناداری وجود ندارد ($P < 0.05$).

آموزشی (درس پروژه) با روش نمونه برداری خوشه ای، تصادفی انتخاب شدند. در ابتدای دوره، آزمون TPACK برای ارزیابی دانش تلفیق تکنولوژی به دانشجویان هر دو گروه به عنوان پیش آزمون داده شد. گروه های نمونه برای یک ترم، کاربردی های آزمایشی را دریافت کردند (۱۵ جلسه). به گروه آزمایش اول با الگوی آموزش مستقیم و گروه آزمایش دوم با استفاده از الگوی ساختارگرایی آموزش داده شد. محتوای درس علوم ابتدایی برای آموزش در دو

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه تأثیر الگوی آموزش مستقیم با الگوی ساختارگرایی برافزایش دانش تلفیق تکنولوژی بود. چارچوب دانش تکنولوژیک پداگوژیک محتوا (TPACK) به عنوان الگوی کاربردی برای تعریف، اجرا و ارزیابی تلفیق تکنولوژی به کار گرفته شد. به منظور اجرای پژوهش از روش شبه آزمایشی با دو گروه آزمایش و نیز طرح پیش آزمون و پس آزمون استفاده شد. به این منظور، دو کلاس با تعداد نمونه ۴۴ نفر از دانشجویان گروه تکنولوژی

واژه های کلیدی:

تلفیق تکنولوژی، ساختارگرایی، آموزش مستقیم، TPACK، دانشجو معلمان.

دریافت فایل PDF





خبرت هست که دلتنگ غذایت شده ام؟
خبرت هست دلم داخل سلفت مانده؟
دلتنگی بد دردیّه. میدونم شماها عمرا
دلتون واسه علامه تنگ نشده، میدونم
تو خونه بهتون بیشتر خوش میگذره!
ولی من دلمممم لک زده واسه
استانبولی با چاشنی ماسه! کباب
سویایی! سوپ کاه!!! چیکار کنم دله
دیگه!

دیگه یواش یواش داره واسم رویا میشه؛
که نیم ساعت تو صف غذا ایسم
ولی وقتی میرسم سر صف، دستگاه
نتونه اثرانگشتمو تشخیص بده و باز
برگردم ته صف!
که تو صف دستشویی گیر کنم و
بندری بزنم و آخرشم ... نگم بهتره!
آخ که حال و هوای عجیبی دارم این روزا!
از وقتی دانشگاه تموم شده دیگه
نمیتونم برم حموم! به آب گرم آلرژی
پیدا کردم. لامصب آبش اگه سرد هم
بود ولی آب درمانی بود برا خودش!
دلم بازم اون نگهبانی رو می خواد که
وقتی هر شب ساعت یازده می رفتم
دانشگاه می گفتم عمم بیمارستان
بود و تنها بود برا
همین دیر کردم.
اونم میگفت
عب نداره از
فردا اگه عمت

تنهاست بیا باهم بریم پیشش! آخ که
این نگهبانه منو چقد دوس داشتتت و
به فکر خودم و عمم بود. مگه آخه چقد
اصلا میشه دوست داشت یه نفرو؟!
من عاشقم. عاشق! عاشق! اون روزایی ک
هفت روز هفته رو زنگ بزنم به مسئول
تربیت بدنی و هر تایمی رو بخوام بگن
تایم استاد هاست! واقعا غبطه می خورم.
آخه مگه یه مسئول چقدر میتونه
سلامتی دانشجو ها واسش مهم باشه!
من دلم بازم ماکارانی می خواد که
فقط به خاطر خیارشورش می رفتم
می گرفتم ولی اونم میومدم می
دیدم نه خیاره نه شوووور! نمی دونم
باهاش چیکار می کردن که /:

من حتی دلم واسه زیرآب زنای
دانشگاه لک زده! لامصبا نمی دونم
که آخه چطور آموزش دیدن! با یقه
آخوندی میان میفتن دنبال آدم. خب
داداش گلم خر که نیستیم می فهمیم
تو از اوناشی دیگه /: یادمه یه بار
لامصب تا خود دستشویی باهام اومد
منم رفتم تو داد زدم گفتم: «بابا ولمون
کن اونا همش تو فیلماست. اینجا
ایراننننننه.» بیچاره دیگه تا یه ماه
از صد متری منو می دید تو افق
محو می شد!

آخه شما بگین آدم چرا

باید دلش تنگ نشه؟

هنوز جلو چشمه

اون روزی که گوشیمو

تو سرپرستی جا

گذاشته بودم و وقتی

رفتم بگیرمش دیدم

۲۱ تا پیام اومده. بازش

که کردم دیدم

یکی از کمک

سرپرستاست که

نوشته : داداش

گوشیت جا

مونده

بیا ببر :)

موسم اتمام ترم!

نگار رشیدی

فصل تابستان شد و گرما رسید از گرد راه
باز هم آبدوغ خیار و هندوانه شد به راه

باز هم دعوای هر روز من و بابای جان
بر سر «باد کولر» تا «قیمت نان گران»!

پختن از گرما، به سرخی لبو گشتن که هیچ
باید از جان بگذرم بابا دهد شاید سویچ!

روز و شب دعوا سر «این را بخر، آن را نخر»
با برادر یا که خواهر یا که مادر یا پدر!

کاش می شد باز از فردا روم فرهنگیان
تا نمانم مثل مرغی جن زده در خانه مان!

حسرت یک خواب شیرین زیر سرمای کولر
کاش نفرستد مرا مادر دگر سوی سوپر

خسته گشتم از شرارت های خورشید شرورا!
از غذا پختن برای گشنگان، با ضرب و زور

موسم اتمام ترم است و شدم بیکار باز
می روم سوی کلاس ورزش و آواز و ساز!

وای نه! با این حقوق کله گنجشکی ما
می توان چیپسی گرفت و یک بلیط سینما!

بنده اکنون می روم فکری کنم بر این ناهار
تا صدای خانواده در نیامد، الفرار!!!



ابرقدرت بودن ظرفیت می‌خواهد! مدعیان اقتصاد هم از سرکابوس‌های شبانه تنها بلدند که تحریم کنند! اما ما در همین تحریم‌ها رشد کردیم و قد کشیدیم. همین تحریم بودند که باعث شدند هدف را جدی بگیریم و راهش را بیابیم!

محدثه محمدی

روایه‌های شاد عده‌ای، حال در حال سوختن و سیاه شدن است! قد یک فکر چقدر باید کوتاه باشد که نتواند تفاوت‌ها را ببیند و بپذیرد و آن را نقص نداند؟! اما منت خدای را عزّ و جلّ که این اندک ویروس را وسیله قرار داد تا این بار در جمعه مقدس وطنی تر پرچم آمریکا به آتش کشیده شود و همه در این اندیشه باشیم که پایگاه بسیج کاخ سفید را برپا کنیم! حال از تمام ابرقدرت‌ها یک ببرکاغذی مانده است و شاید تقدیر این باشد؛ ویرانی آمریکا بدست کسانی اتفاق بیافتد که اجدادشان سالها قبل برای ساختن آمریکا به بردگی گرفته شدند!

بکنند! «جنگ نشد؛ وقتی که نفتکش انگلیسی در تنگه هرمز توقیف شد، یا زمانی که عین الاسد مبدل شد به عین الجسد! آمریکا مرد جنگ نبود حتی هنگامی که ایران نفتکش‌هایش را وارد آب‌های ونزوئلا کرد. اکنون رسیده ایم به روزهای افول وی و سکان‌دار رخ می‌نمایند! رنگ‌ها و

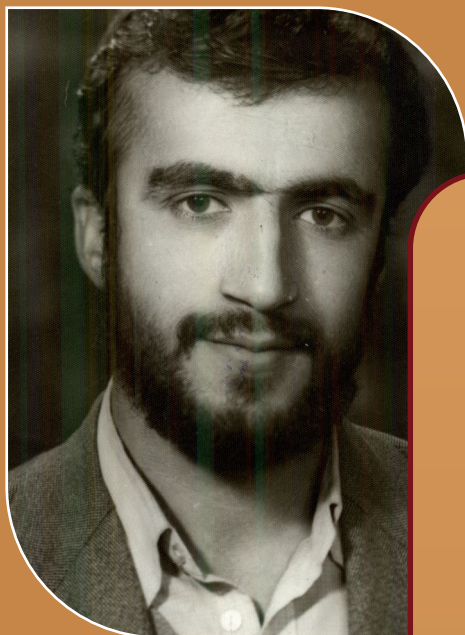
سفر کردیم به آمریکای جنوبی با فکر اقتصادی، به دنبال ارتباط مستحکم تر. ایران و ونزوئلا دست آمریکا را کوتاه کردند با کمی سرمایه در سرزمین‌های ضعیف. جاپای این ارتباط، با ثبات تر شد آن هم زمانی که در بحبوحه هسته‌ای ایران زمین و حمایت‌های چریک حزب الله و حومه‌های منتقدین جهانی، چاوز پا به ایران نهاد. چندی بعد ونیز کوچک، شد حامی قدس اشغالی و حال مراودات بهتر از قبل شد. حال، ونزوئلا و ایران با پاناما و هرمز، شده بودند قسمت ترسناک اذهان بزرگ ترهای اقتصاد! به راستی که امام درست می‌گفت: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند



شهیدنامه

✍ عزیز جلیلی

از تئوری به عمل



رضا از این پس جبهه فعالیت و جهاد خود را تغییر داده و سه ماه تعطیلات تابستانی را به سوی سنگر های داغ جبهه های جنوب می شتابد و در اهواز به جمع رزمندگان جبهه حق علیه باطل می پیوندد.

اینجا بود که رضا خواست تا تملور عینی جهاد از تئوری به عمل باشد و با پایان این ماموریت از زندگی خود سرانجام در روز ۲۲ شهریور ماه ۱۳۶۰، این جوان رشید اسلام نیز آغوش خود را به نور شهادت باز نموده و با همسفران عاشق، راهی انوار گردید.

شهید رضا عبادی در سال ۱۳۳۶ هدیة خداوند به خانواده مذهبییش بود. رضا پس از گذران دوران تحصیلی خود به یکی از فعالان عرصه مبارزه علیه ظلم نظام ستم شاهی تبدیل می شود. وی در این دوران در سنگر مدرسه به عنوان معلم به از بین بردن ریشه های جهل و فساد مشغول بوده و از تحصن دانشجویان در دانشگاه تبریز گرفته تا نظاهرات و مجالس ضدشاهی شرکت گسترده داشت تا آن که روزی، آرزوی این مبارزان تحقق یافته و انقلاب اسلامی به پیروزی می رسد.



بخشی از وصیتنامه شهید

می خواهند که به این انقلاب ضربه بزنند و شاید هم مسئولیت ها و شغل هایی را در نظام جمهوری اسلامی دارند ولی می خواهند اسلام در جهت منافع ایشان و انقلاب اسلامی در سوی نیات پلید آنان پیش رود، با این گونه افراد هرچه در توان دارید مبارزه کنید و بدانید که اصلی ترین دشمن این انقلاب همین صنف افرادند. ربنا افرغ علینا صبرا و ثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم الکافرین.

۱۳۶۰/۰۴/۰۴ رضا عبادی

اکنون که توفیق یافته ام در جبهه های جنگ اعزام گردم، درک نمودم و فهمیدم که برای چه و به خاطر کی می روم، فهمیدم که نه به خاطر منافع کسانی و نه برای رضایت کسانی می روم ولی ان شاء الله امید دارم که شما برادران و خواهران در جبهه داخل، دائم وحدت خود را حفظ کرده و در پیاده شدن برنامه های اسلام در تمام ابعاد کوشش و مبارزه نمایید و با کسانی چه در صورت دشمن آشکار این انقلاب و چه در صورت دوست



توئیت

فرهاد محمدی

کاش مهربونی ام وپروس بود!
همینقدر جهانی
همینقدر محکم و مقاوم ...
#دالتونیس

ولی من حتی اگه هزار
سال قبل امتحانم شروع
کنم درس خوندن باز چند
ساعت به امتحان میبینم
نصف جزوه مونده!
#فولسوف

یه قانون نانوشته میگه هر
درس تا وقتی ارزشیابی داره
دشواره در غیر این صورت
راحت و دلنشین و جذاب
میشه
#معلم-بی-اعصاب

اومدم ارزشیابی اساتید رو
انجام بدم رسیدم به نحوه
پوشش ، شمردم دیدم ۴ تا
از استادامو تا حالا ندیدم!!
#خوان-خامس

استاد عزیز
به حذف کردن مقدمه
کتاب برای امتحان "حذفیات"
نمیگن
خواهشا انقدر منت نذار
بابت حذفیات :/
#خانم-علوم

این چند وقتی که همش
تو خونه بودم سعی کردم
به چشم نون خور اضافه
بهم نگاه نشه برای همین
بیشتر برنج می خورم :/
#بخ-در-بهشتی

برزخی فقط دانشجو های
ترم آخر!
همینکه خوشحال میشن از
فارغ التحصیلی، یهو پایان
نافرجام خاطرات با لبخند
می شینه جلوشون و میگه:
«میبینم که خوشی با این
قضیه :) بیا خوشحالیتو
کوفتت کنم!»
#دالتونیس

یه ضرب المثل هست
مترادف با ضرب المثل
"مورچه چیه که کله
پاچه اش چی باشه؟" که
بین دانشگاهیا مرسومه و
میگه "آموزش مجازی چیه
که امتحان گرفتنش چی
باشه؟"
#خانم-علوم

من اگر میتونستم برگردم
می رفتم تو بچگی الهیار
ترکمن و چنان تربیتش
میکردم که ۴۵ درصد از
حقوق خودشم بزاره رو
حقوق دانشجوها ؛)
#best

ارزیابی ها میان و میرن
چیزی که باقی میمونه
استادا هستن...
#قلب-بخ

بدترین بی احترامی به
دانشجو اونجاییه که از
استاد می پرسن تایم و
نحوه امتحان به چه صورته
می فرمایند که نمی تونید
تقلب کنید!
#لبخند-همون-سانسوره

اون آماری که آی کیو مردم
ایران رو از ۱۰۸ به ۶۸ تنزل
داده
احتمالا مبنای محاسبه اش
رو روی گزارشای خبری که
شبکه خبر و ۲۰:۳۰ هرروز
به مردم میدن تنظیم کرده!
#مهدی-چخوف #خانم-علوم

از استاد تو گروه پرسیدیم
نحوه امتحان چجوریه؟ پیام
داده خوب بخونید
این بزرگترین راهنمایی بشر
بعد از راهنمایی انتخاب
رشته است!
لامصب تسمه تایم پاره
کردم :/
#مشاور-معلم

کاش می شد یه عکس
بفرستیم برا اون مراقبین
سرسختی که منتظر یه
حرکت اضافی بودن و بگیم
"منو امتحانو جزوه و کتابو
گروه درسی و یک بسته
پفک همین الان بیهوووووی"
#دالتونیس

همه چی محدود شده
واسم
نمونه اش تنها چیزی که
الان خوشحالم میکنه
تأییدیه از استادا واسه کار
عملیامه :)
#دبیرآذری

میگن بخشنامه اومده که
استادا این ترم دانشجویی رو
ندازن. خو چه کاریه اصلا
چرا برنامه دادن بهمون :/
#حدیث-باهنرشون

من اصولا ده دقیقه درس
می خونم ۵۰ دقیقه صفحات
باقی مونده کتاب رو می
شمرم :)
#حسانه-باهنرشون

دیگه خیلی به عقب
برگشتیم؛ دقیقا همونجایی
که اعراب دختراشونو زنده
به گور می کردن!
#ریحانه
#رومینا
#مهدی-چخوف

بابام امروز گفت چهار ماهه
خونه ای
۴۵٪ درصدی که میدی
دانشگاه بریز حسابم
با رویش ناگزیر اللهیارها
چه کنیم؟ :/
#شاعر-تمام-شده

استاد فرمودن کلاس پرسش
و پاسخ درباره ی امتحان
داریم، ومدن یکم قشنگ
نمک رو زخم پاشیدن و
فرمودن امتحان تشریحی
هست و بدون اینکه چیزی
رو حذف کنن خدانگهدار
گفتن
خوشگل نیست؟ :)
#حدیث-باهنرشون

ارزشیابی اساتید فقط اون
قسمت پوشش و آراستگی
که باید به استادی که با
زیرپهرن آبی کم رنگ
و شلوار کردی، چهارزانو
نشسته پشت مانیتور نمره
بدی!!!
#مهدی-چخوف

چه مراعات نظیر ناهمگون نیست
داس، تبر، دختر، غیرت،
چهل و...
#خوان-خامس



کافه فناوری

نویسنده و طراح: عرفان فعله گری

موضوع چیه؟

سایت های آموزشی!

امروزه با توجه به گسترش ارتباطات و اینترنت در جهان، این پدیده ی نوین، همه چیز را تحت تاثیر قرار داده است و امر آموزش نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. در این شماره، تصمیم بر آن شد تا چهار سایت معتبر را در زمینه ی آموزش به شما معرفی کنیم.

www.amoozesh365.ir

5/5

free

★★★★★

آموزش ۳۶۵



بدون شک یکی از اصلی ترین سایت های آموزش نرم افزار های کامپیوتری می باشد که با بهره گیری از اساتید مجرب توانسته است تمام نرم افزار های کامپیوتری را پوشش دهد و تمام این آموزش ها را به صورت رایگان در اختیار عموم قرار داده است. از ویژگی های این سایت می توان به دسته بندی جامع آن اشاره کرد که به راحتی در آن می توان به محتوای مورد نظر خود دسترسی پیدا کنیم. تدریس هر نرم افزار در سه سطح مقدماتی، متوسط و پیشرفته از دیگر ویژگی های مفید این سایت می باشد.



Udemy

★★★★★

Premium

4.5/5

www.udemy.com



سایتی با محتوای فوق العاده عالی برای دوست داران هنرهای مختلف و هم چنین علوم کامپیوتری با این تفاوت که برای دیدن محتوای این سایت باید به زبان انگلیسی مسلط باشید و برای دسترسی به این محتوا باید اشتراک تهیه نمایید. اگر زبان انگلیسی شما در حدی می باشد که می توانید به راحتی صحبت کنید و محتوایی برای ارائه دارید، یودمی می تواند منبع خوبی برای انتشار آن در سطح گسترده باشد چرا که بیش از ۱۰۰ هزار دانشجو در دوره های این سایت شرکت کرده اند و از لحاظ جامعه آماری، در جایگاه قابل قبولی قرار دارد. این سایت در زمینه ی آموزش های کسب و کار، موزیک، گرافیک و ... فعالیت می کند.

www.faradars.org

4.5/5

free Premium

★★★★★

فرادرس



سایت فرادرس را می توان در دسته ی بهترین سایت های ایرانی فعال در زمینه ی آموزش قرار داد. خط مشی این سایت بر آن بوده است که همیشه به روز ترین محتوای آموزشی را در اختیار کاربران قرار دهد. خوبی این سایت این است که تقریباً در تمامی زمینه های علوم دانشگاهی، محتوای در دسترس دارد و منبع کاملی برای دانشجویان به شمار می آید. اگر قصد تشکیل و راه اندازی استارت آپ خود را دارید، اگر در زمینه ی بورس به آموزش نیاز دارید، اگر در علوم مهندسی، دچار اشکالات درسی هستید، این سایت را فراموش نکنید.

Lynda

5/5

Premium

★★★★★

www.lynda.com



لیندا، زیرمجموعه ای از لینکدین می باشد که وظیفه ی آموزش را بر عهده گرفته است. این سایت را می توانید برای یک ماه بصورت رایگان استفاده نمایید اما برای ادامه ی راه، باید هزینه ی اشتراک بپردازید. این سایت به خوبی توانسته است که هرگونه آموزشی در زمینه ی دیجیتال مارکتینگ، هوش مصنوعی، توسعه ی وب و ... پوشش دهد و شما به راحتی می توانید با گذراندن این دوره ها، به مهارت بالایی در این زمینه ها دست یابید. سایت با بهترین مدرسان که روش های خلاق آموزش را به کار می برند، فعالیت می کند و می توان گفت در این سایت، شاهد آموزش هایی مفرح و جذاب هستیم.





#نباشیم_راضی_از_درس_مجازی

بگویم من براتان قصه حالا که کل دلخوشیمان را شده سدا! کرونا، هم پر و هم بالمان کند! بدیدیم ما چه ها در صبح جمعه!! شده مکتب برامان خاله بازی! کشیدیم ناز این استاد ها را که اینجا هم #کرونا دستان بست! نباشیم عمرا از این وضع، راضی اگر دقت کنی مشتی اراجیف! شود آن را فقط ۱۰ نمره شامل! رهان از دست اینان، جانمان را! ندن آن ها به خرج، انقدر وسواس! #نباشیم_راضی_از_درس_مجازی

به نام خالق باری تعالی ز بی خوابی و آنلاینی بی حد همینطور از اواخرهای اسفند و خیزیدیم به پا در صبح جمعه کلاسا گشته آنلاین و مجازی خلاصه، خوب و بد، کردیم مدارا کنون وقت ملیح امتحان است شدست این امتحان ها هم مجازی سه ماه و نیم شد صرف تکالیف که با انجام آن بی نقص و کامل، خدایا رحم کن اینجانبان را کمک کن امتحان ها را شویم پاس و ما هشتک زنیم در End بازی



77



۱۵:۴۷



♥ Sahar ♥

آخرین بازدید به تازگی



سحر جون با خرجه ها چه می کنی؟ 😊 15:40 ✓✓

هیچ، مث گوشتی که قبل زنج بهش وقت میدن خوشیم 😂 15:40

چیزیم خوندی؟؟ 😊 15:40 ✓✓

مگ قراره بخونیم؟ 😊 15:40

په چی؟ 😊 15:40 ✓✓

این بو که رضیق کجای کاری؟ 😊 15:40

آخه عزیز من باید بتونی جای سوال رو پیدا کنی یا نه؟ 😊 15:41 ✓✓

مگ خبر نداری؟ 15:41

از چی؟؟ 15:41 ✓✓

یه گروه زدیم بابچه های باحال سوالا رو تقسیم کنیم بین خودمون اگ حس خوندمونم گرف صفحات جزوه رو تقسیم میکنیم 😊 15:42

اد بزن پس! 😍 15:42 ✓✓



پیام



شب بک



سولماز سیفی



کار ما نیست ✓

شناسایی راز گل سرخ

کار ما شاید این است ✓

که در افسون گل سرخ

شناور باشیم

سهراب سپهری